

تبیین ژئوپلیتیکی پوتینیسم به عنوان چارچوبی مفهومی برای تحلیل سیاست خارجی روسیه (با تأکید بر بحران سوریه)

شیلا سیف الدینی

دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران

ابراهیم انوشه^۱

استادیار، گروه روابط بین الملل، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران (نویسنده مسئول).

مهدی حسنی باقری

استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

چکیده

روسیه بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی با توجه به جریانهای فکری حاکم بر آن دچار فراز و نشیبهای بسیاری شده است. روی کار آمدن پوتین و پوتینیسم را می توان آغاز گر دوران جدیدی در روسیه جدید به شمار آورد. پوتین شخصیتی اقتدار طلب است که سعی در ارتقا و احیای جایگاه روسیه را بعنوان وارث اتحاد جماهیر شوروی سابق در سر می پروراند. در این پژوهش سعی شده با استفاده از منابع موجود و در چارچوب یک روش توصیفی-تحلیلی به نقش و جایگاه رویکرد فکری و اندیشه های شخص پوتین بر روی سیاست خارجی روسیه بپردازد. در این راستا از نظریه ساختارگرایی (تکوین گرایی) جهت تبیین و تحلیل سیاست خارجی روسیه دوره پوتین مورد استفاده قرار گرفته است. نویسندگان بر این باور هستند که که سیاست خارجی فعلی روسیه با روی کار آمدن پوتین متحول از گذشته شده است. در این دوران روسیه سعی کرده با به چالش کشیدن مواضع غرب و آمریکا نقش برجسته تری را در مسائل مختلف سیاست بین الملل ایفا کند. این امر را بطور اخص در بحران سوریه می توان مشاهده کرد. جایی که روسیه به همراه ایران و ترکیه ائتلافی را در مقابل ائتلاف غرب تشکیل داد و توانست بشار اسد را کماکان در سوریه حفظ کند.

کلیدواژگان: پوتین، پوتینیسم، روسیه، سازه گرایی، بحران سوریه.

^۱. نویسنده مسئول: a_anooshin@yahoo.com

مقدمه

شاکله اصول کلان سیاست خارجی روسیه بر مبنای جهان چند قطبی، محافظه کاری، واقع گرایی و موازنه قوا شکل گرفته است. نخستین دوره سیاست خارجی روسیه در قالب نهاد «خانه مشترک اروپایی» مطرح شد. در این دوران (۱۹۹۵-۱۹۹۱) و در ادامه سیاست «تفکر نوین» گورباچف، فدراسیون روسیه نیز یکپارچگی در نظام اقتصاد سرمایه داری و بهره گیری از تکنولوژی پیشرفته غربی را مورد توجه قرار داد. در دوره دوم که از سال ۱۹۹۶ با تصدی وزارت خارجه از جانب پریماکف شروع شد، چرخشی در سیاست خارجی روسیه آغاز شد، که همزمان نگاه به شرق و غرب را مدنظر قرار داد. در مرحله سوم تعادل بین نگاه به شرق و غرب حفظ شد، اما پوتین که مظهر دوره سوم سیاست خارجی روسیه است، دو ویژگی خاص را در سیاست خارجی روسیه درج کرد. نخست اینکه سیاست خارجی روسیه به طور فوق العاده ای عملگرا شد و دوم اینکه، پوتین از سال ۲۰۰۰ به بعد به دنبال مشارکت راهبردی با اروپا و به ویژه با امریکا بود. از سوی دیگر، پوتین گام در راه برپایی شوکت دوباره روسیه از طریق بازگشت به اصول سیاست خارجی روسیه شوروی اما نه از منظری ایدئولوژیک بلکه با تکیه بر ملی گرایی و اقتدارگرایی روسی گذارد و دکترین خود را در مبنای سیاست خارجی و امنیت ملی روسیه تثبیت نمود. این اقتدارگرایی و سودای بازگشت به دوران قدرت و اقتدار روسیه شوروی در سیاست خارجی روسیه در دوران پوتین و «مدودف» خود را نشان داده است. برایان تیلور در کتاب کد پوتینسم انگیزه های ولادیمیر پوتین و همفکرانش را بررسی می کند و آن را ابزاری برای حکمرانی می داند و توصیف می کند که چطور پوتینسم در دو حوزه سیاست داخلی و سیاست خارجی به موفقیت هایی دست یافته است. تیلور پوتینسم را به عنوان یک ذهنیت و یک طرز تفکر توصیف می کند که کاملاً برخلاف مارکسیسم - لنینیسم فقط یک ایدئولوژی نیست. (Katz, 2019, 10-35)

با ظهور ولادیمیر پوتین به عنوان ریاست جمهوری فدراسیون روسیه تحول بزرگی در نگاه روسیه به جهان و جایگاه این کشور روی داد. روی کار آمدن ولادیمیر پوتین که با رشد اقتصاد روسیه، تحت تاثیر افزایش بهای نفت و گاز همراه شد، علاوه بر سیاست های مرکزگرای دولت پوتین که تا حدود زیادی نظم را به این کشور بازگرداند، تصویر متفاوتی را از روسیه تحقیر شده به جهان نشان داد. پوتین پس از سامان دادن به شرایط داخلی، روسیه را به عنوان قدرتی مطرح کرد که به دنبال بازپس گرفتن اعتبار از دست رفته می باشد (عطایی و شجایی، ۱۳۸۹: ۴).

لانگدون و تیسمانانو پوتینسم را یک ایدئولوژی می دانند و افرادی مانند ایوان ایلین و الکساندر دوگین معتقدند که ایدئولوژی پوتینسم هرگز توسط پوتین ایجاد نشده است، بلکه برخی از روندهای تاریخی، تمایلات فرهنگی و اسطوره های سازگار با جامعه سبب ایجاد چنین ایدئولوژی شده است. (Langdon Tismaneanu 2019)

در حقیقت، پوتین احیاگر دوران اقتدار روسیه شوروی بدون ایدئولوژی «مارکسیسم - لنینیسم» است و این نکته بیش از هر چیز ریشه در فرهنگ «اقتدارگرایی روسیه» دارد. در این دوران روسیه تلاش کرد تا با حضور پررنگ تر در عرصه جهانی خود را به عنوان جانشین شوروی در عرصه جهانی مطرح کند و به ویژه در دوره دوم ریاست جمهوری پوتین، روسیه با ورود به چالش با امریکا به دنبال افزایش اعتبار خدشه دار شده اش بود. (لارویل، ۱۳۸۸، ۳۴)

چهار چوب نظری: سازه انگاری

سازه انگاری در وهله اول در سطح سیستمی بر ساختارهای اجتماعی تمرکز دارد و به همین دلیل به نقش هنجارها در امنیت بین المللی توجه ویژه ای دارد (Wend, ۱۹۹۴) و در آن هنجارها به عنوان باورهای بین اذهانی تعریف

شده توسط بازیگران براساس جهان طبیعی و اجتماعی، شرایط و موقعیت آنها و فرصت های کنش آنها، تعریف می شوند (Wend, ۱۹۹۵: ۷۳-۷۴).

سازه‌انگاری بر ساخت اجتماعی واقعیت تأکید می‌کند که همه کنش‌های انسانی در فضایی اجتماعی شکل می‌گیرند و معنا پیدا می‌کنند و این معنا سازی است که به واقعیات جهانی شکل می‌دهد. در نظریه سازه‌انگاری، هویت‌ها، هنجارها و فرهنگ نقش مهمی در سیاست‌های جهانی ایفا می‌کنند. هویت‌ها و منافع دولت‌ها توسط هنجارها، تعاملات و فرهنگها ایجاد می‌شود و این فرایند است که موضوع تعامل دولت‌ها را تعیین می‌نماید. سازه‌انگاری به این امر می‌پردازد که چگونه هویت‌ها و هنجارهای اجتماعی مردم می‌توانند با روابط نهادینه میان آنها گسترش یابد (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۱۵)

به نظر سازه‌انگاران هویت امری اجتماعی است به این معنا که در ساختن خود، دیگری هم ساخته می‌شود بنابراین هویت سیال است. برای همین است که در نگاه آنها، برداشت کنشگران از خود، منافع و اهدافشان تغییرپذیر می‌باشد و به تبع شکل‌گیری یک هویت جدید منافع جدید هم برای یک دولت مطرح می‌شود (۱۲۴: ۲۰۰۲، Ritberger).

در ساختار جدید نظام بین‌الملل، مهمترین هدف استراتژی فدراسیون روسیه، معرفی خود به‌عنوان یک موجودیت تاریخی، شناخته و ادراک شده و نیز بهره‌گیری از این استراتژی به‌عنوان راه برون‌رفت از بحران هویت ملی خود است (Wylli, ۲۰۰۶: ۱۶۸).

رویکردهای فکری و سیاسی در روسیه

آتلانتیک‌گرایی یلتسین

آتلانتیک‌گرایی یکی از لایه‌های درونی هویت روسیه است. آتلانتیک‌گرایان روسیه را جزئی از تمدن غرب می‌دانند و در تضاد با اسلاوگرایی، بر اصول و ارزش‌های مشترک روسیه و کشورهای اروپای غربی تأکید می‌کنند. در نیمه اول دوران ۸ ساله ریاست جمهوری بوریس یلتسین در دهه ۱۹۹۰، دیدگاه هویتی آتلانتیک‌گرایی عنصر تعیین‌کننده سیاست خارجی روسیه بود. مقام‌هایی که روسیه را بر اساس این لایه هویتی درک می‌کردند باور داشتند که مهمترین وظیفه سیاست خارجی روسیه تسهیل در امر پیوستن این کشور به باشگاه کشورهای دموکراتیک در غرب قاره وسیع اروپا با اقتصاد بازار است. روسیه این مسیر را با پیوستن به سازمان همکاری و امنیت اروپا شروع کرد و معتقد بود که این سازمان می‌تواند امنیت را از ونکوور تا ولادیوستک در کرانه اقیانوس آرام تضمین نماید. روسیه همکاری خود را در دوره غربگراها با اتحادیه اروپا، سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه و گروه هفت گسترش داد (پریماکف، ۱۳۹۱: ۳۸). از طرف دیگر، آتلانتیک‌گراها باور داشتند که بهتر است روسیه فعالیت‌های خود را در جمهوری‌های به‌جامانده از شوروی سابق که خارج نزدیک خوانده می‌شدند، کاهش دهد.

درون روسیه مارکسیست‌ها و ملی‌گراها به‌شدت به مخالفت با سیاست‌های بوریس یلتسین برخاستند. مخالفان در دوما اکثریت غالب کرسی‌ها را در اختیار داشتند، اما یلتسین در برابر مخالفان ایستاد و دوما را ناتوان کرد. پس از آن سازمان ملل متحد روسیه را به‌عنوان جانشین اتحاد جماهیر شوروی شناسایی کرد و روسیه کرسی دائمی شوروی را در شورای

امنیت کسب و مسئولیت حفاظت از سلاح‌های هسته‌ای شوروی سابق و نمایندگی‌های دیپلماتیک شوروی را در کشورهای خارجی پذیرفت (Lynch, 2001: ۷-۳۱).

اسلاوگرایی پریماکوف

اسلاوگرایی یکی دیگر از تأثیرگذارترین لایه‌های هویتی روسیه است. نماینده این جریان فکری پریماکف بود. اسلاوگراها به شدت با نگرش اتلانتیک‌گراها و حس اروپایی بودن روسیه مخالف‌اند (Aday, ۱۹۹۲). اسلاوگراها به قدرت‌های غربی و یا آسیایی با بدبینی می‌نگرند و به غرب بی‌اعتماد هستند. در طول دهه ۱۹۹۰ اسلاوگراها خواستار تمرکز سیاست خارجی روسیه بر حوزه خارج نزدیک و دوری و اجتناب از غرب بودند. اسلاوگرایی ریشه در تاریخ سده‌های هیجدهم و نوزدهم روسیه دارد. از آن هنگام روسیه با این مسأله مواجه شده که خود را به صورت یکی از قدرت‌های صنعتی اروپای غربی درآورد و یا اینکه بر فضیلت‌های خویش تأکید کند (Aron, 1998, ۷-۸۳). حمایت از هسته‌ای شدن بلاروس، کناره‌گیری از همکاری با ناتو و عدم تعهد به تحریم‌های غرب علیه سایر دولت‌ها از جمله یوگسلاوی و عراق ریشه‌هایی عمیق در حس اسلاوگرایی روسیه دارد. اسلاوگرایی بر این باور است که غرب در صدد ویران نمودن روسیه است و روسیه می‌بایست سرسختانه از منافع ملی خویش در برابر غرب دفاع کند آنها معتقدند روسیه بهتر است به جای آنکه پذیرای کمک‌های غرب باشد، به منابع عظیم انسانی و کانی خود اتکا کند (۶۵-۷۳ Hopf, 2002). آنها مخالف پیوستن روسیه به نهادهای غربی هستند و آنرا با کاهش حاکمیت دولت روسیه در داخل همسان می‌بینند (Berg & Ehin, 2013: ۴۸).

روسیه‌گرایی پوتین

از اواخر دهه ۹۰ میلادی، ولادیمیر پوتین با تأکید بر اندیشه «قدرت بزرگ» به عنوان منتقد اصلی سیاست خارجی پریماکوف که از منظر او جاه‌طلبانه، ایدئولوژیک، تقابل‌جویانه و ضد غربی بود ظاهر شد. پوتین تجلی ظهور یک هویت جدید در روسیه است. این هویت برخلاف اتلانتیک‌گرایی کوزیرف به مشارکت و ادغام در هژمونی غربی باور ندارد و از طرفی نیز در صدد توازن و یا تحلیل بردن هژمونی غرب نیست و روسیه را بر اساس هویتی اصیل تعریف می‌نماید که نه غربی و نه اوراسیایی است، بلکه هویتی اصیل دارد. به طور کلی از اوایل ریاست جمهوری پوتین روسیه استراتژی "رهایی از تعهد به غرب و عدم مشارکت در نظم هژمونیک غربی" را دنبال نموده است. تحولات داخلی و خارجی در تکوین هویت جدید روسیه مؤثر بوده است. به عبارتی تحولات بین‌المللی از جمله گسترش ناتو به شرق و تلاش نومحافظه‌کاران برای افزایش شکاف در قدرت ایالات متحده و روسیه، یک جانبه‌گرایی‌های ایالات متحده در زمینه پیمان کاهش سلاح‌های استراتژیک و جنگ علیه عراق موجب تقویت هویت جدید روسیه شده است. این هویت جدید در روسیه از حمایت عمیق و گسترده اجتماعی نیز برخوردار است (Toft, 2004: ۲۴).

مؤلفه‌های این هویت شامل احیای یک دولت اقتدارگرا در مسکو، حمایت اجتماعی از شهروندان، حفاظت از وضعیت قدرت بزرگ و تأکید بر حاکمیت مطلق مسکو بر تمامیت فدراسیون روسیه است. این هویت جدید نه توسعه‌طلبی کمونیسم شوروی و نه جهانگرایی لیبرالیسم را دارد و ضمن رد استانداردهای اروپای غربی در تعریف و توصیف «قدرت بزرگ» به ایجاد یک روسیه بسیار نیرومند متعهد است. بر این اساس، روسیه جایگاه خویش را در خارج از نظم هژمونیک غربی تعریف می‌نماید ولی در صدد احیای یک توازن جهانی علیه غرب هم نیست، بلکه در صدد

کاهش کنش متقابل با اروپای غربی و ایالات متحده است، به‌ویژه در زمینه‌هایی که فرسایش هویت بی‌همتای روسیه را در پی دارد (Hopf, 2009:1-5).

پوتین و پوتینیسم

پوتین فردی برآمده از طبقه متوسط در روسیه است. پدرش آشپز مخصوص لنین و مادرش کارگر کارخانه بوده است. او در جوانی شیفته افسرهای اطلاعاتی و امنیتی شوروی بود. و از همان جوانی به عنوان مامور ک.گ.ب در آلمان شرقی مشغول به کار شد و به سرعت پله‌های ترقی را پیمود.

جیمز بلینگتون در کتاب خود با عنوان «روسیه در جستجوی هویت خویش»، درباره اوایل به قدرت رسیدن پوتین نوشته است: «به نظر می‌رسید که پوتین می‌خواست همانند دوگل (فرانسه) عمل کرده و از ابزارهای قدرت برای تحقق اهداف دموکراسی استفاده کند. ولی برخی از صاحب‌نظران می‌تسیدند که وی ممکن است ناخواسته به ناسیونالیست مستبد صرب‌ها، یعنی میلوشوویچ شباهت پیدا کند، یا اینکه زمینه بوجود آوردن آن را فراهم کند(بلینگتون، ۱۳۸۵: ۷۶).

پوتین در فاصله سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ دوبار رهبر روسیه شد و از آن زمان تا سال ۲۰۱۲ نخست وزیر این کشور بوده است. او در نخستین سخنرانی خود در میدان مانژ مسکو که دمیتری مدودف، رئیس جمهوری روسیه نیز در آن حضور داشت، بدون اشاره به نام کشور خاصی از جناحهای تبلیغاتی، از رفتار مداخله جویانه غرب در جریان انتخابات ریاست جمهوری کشورش انتقاد کرد و گفت: این انتخابات نشان داد که مردم روسیه به سادگی می‌توانند نقشه‌های جدید سیاسی دشمنان خود را که هدفی جز نابودی نظام حکومتی این کشور را دنبال نمی‌کند، تشخیص دهند. این انتخابات نشان داد که هیچ کس نمی‌تواند اراده خود را بر ما تحمیل کند. مردم روسیه امروز نشان دادند که این گونه طرح‌ها در این سرزمین، تحقق نخواهد یافت (Hale, 2015:61-65).

رفتارشناسی پوتین می‌تواند به فهم فرایند تصمیم‌گیری او بویژه در مباحث مربوط به سیاست خارجی کمک کند. پوتین در دوران ریاست جمهوری خود همیشه به راهبرد قدرت بزرگ مدرن هنجارمند به‌عنوان یک سازوکار مناسب برای احیای جایگاه و قدرت روسیه در عرصه جهانی متعهد بوده است. بر این اساس، وی مبادرت به انجام دو سیاست نمود؛ نخست اینکه روسیه را به‌سرعت به تعامل با غرب و ترتیبات نوین جهانی سوق داد و نیز برای رسیدن به درک مشترک با غرب مسائل و یافتن سازوکاری برای جستجوی مشترک تلاش کرد. درعین حال وی خود را ملزم و متعهد به حفظ منافع و خصوصیات ویژه روسیه می‌دانست. پوتین بر این باور بود که این مفهوم در جایگاه یک الگوی پایدار تاریخی و فرهنگی، بدون توجه به شرایط داخلی، به نوع درک روسیه از تحولات بین‌المللی شکل می‌دهد (کولایی و نوری، ۱۳۸۹: ۲۱۷-۲۱۸). این استراتژی اصل ثابت و پایدار سیاست خارجی پوتین بوده است. در واقع این انتخاب یک کد ژئوپلیتیک در میان دو کد همگرایی با غرب کوزیرف و ضدیت و دوری از غرب پریماکف بود که بر مبنای سیاست نگاه به شرق در عین همکاری با غرب عملیاتی گردید (۲۰۰۴ Trenin,). در حقیقت رفتار استراتژیک پوتین تحت تاثیر فرهنگ روسیه است چرا که فرهنگ و حافظه تاریخی روسیه ان چیزی است که به عمل معنا می‌دهد.

در دوران پوتین تحولات سیاست خارجی در دو سطح ساختاری و رویکردی تغییر کرد. در آن دوران سیاست خارجی روسیه در حوزه ساختاری از بی ثباتی به ثبات نسبی و از ساختار غیر منسجم به ساختاری منسجم تغییر رویه داد (Averre, 2008:28-39).

سیاست خارجی روسیه در دوره پوتین

پوتین بعد از انتخابش بعنوان رئیس جمهور، اولین اولویت خویش را تقویت دولت روسیه از طریق اصلاحات اعلام داشت و به بهانه فساد تا سال ۲۰۰۴ دولت را از اعضای وابسته به یلتسین کاملاً پاکسازی کرد (بهادر، ۱۳۸۹: ۴). پوتین همچنین رویکرد جدیدی را در قبال راهبرد سیاست خارجی روسیه اتخاذ کرد که در تعارض با تفکر نسبی در روسیه قرار گرفت. در دیدگاه پوتین مبنای اصلی و دکترین نوین امنیت ملی روسیه نه در چهارچوب ایدئولوژیک بلکه مبتنی بر تثبیت اقتدار روسیه و دستیابی به جایگاه قدرت جهانی روسیه بود (گلشن پژوه ۱۳۹۱: ۶).

در اوایل سال ۲۰۰۰، سیاست خارجی روسیه به نوعی دچار بن بست شده بود و لذا تغییر استراتژی بین المللی این کشور ضروری به نظر میرسید که با قدرت گرفتن پوتین کرملین این پیغام را به غرب ارسال کرد که در صدد کاهش تنشها با غرب است (گوسایف، ۱۳۸۵: ۶۵).

پوتین از ۱۱ سپتامبر تصمیم گرفت برای استفاده از فرصت عزم دولت بوش برای مقابله با حکومت طالبان و القاعده در افغانستان پیش قدم شود. او با اعلام همراهی و همکاری خود با ایالات متحده در جریان مقابله با تروریسم و سرنگونی طالبان در افغانستان نه تنها از برجیدن طالبان در افغانستان به عنوان تهدیدی علیه امنیت و منافع روسیه در آسیای مرکزی بهره گرفت بلکه امتیاز حمایت غرب را از مقابله دولت روسیه با جدایی طلبان چچن به عنوان تروریسم را نیز به دست آورد. (کاهه، ۱۳۸۶، ۹۰).

بدین ترتیب پوتین که شرایط نامساعد روسیه را تا حد زیادی به مطلوبیت رسانده بود از یک سو جهت گیریهای همکاری جویانه ای را در زمینه مبارزه با تروریسم نشان داد و از سویی دیگر به قدرت نمایی خود در داخل روسیه پرداخت (دهشیار ۱۳۹۰: ۴۳).

اهداف اساسی سیاست خارجه روسیه در دوران پوتین را می توان به شرح زیر بیان کرد:

- ۱- جلوگیری از استقرار یک نظام تک قطبی
 - ۲- احیا منزلت روسیه در نظام بین الملل
 - ۳- جلوگیری از نفوذ غرب در مناطق پیرامونی
 - ۴- بهبود اوضاع اقتصادی (بصیری، ۱۳۹۲: ۳۲)
- روسیه به عنوان کشوری که بحران های اقتصادی، امنیتی و سیاسی دهه ۹۰ را به لطف هدایت پوتین از سر گذرانده بود حال در به تثبیت قدرت خود در منطقه و در میان جمهوری های شوروی فکر می کرد و البته در این راه با گسترش نفوذ ایالات متحده در منطقه و تبعات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی حاصل از آن دست به گریبان بود (سالمی، ۱۳۸۹: ۵۴).

افزایش جهانی بهای انرژی از یک سو توسعه توان صادراتی روسیه از سوی دیگر، اهرم های تازه ای را در اختیار پوتین قرار داده بود تا در صورت نیاز به اعمال فشار بر برخی از کشورهای مصرف کننده انرژی بپردازد. قطع صادرات

گاز روسیه به اوکراین و در واقع اروپا در آغاز سال میلادی ۲۰۰۹ نخستین نمایش قدرت روسیه در این عرصه تازه به شمار می رفت.

افزایش بهای جهانی انرژی همچنین به روسیه این توانایی را بخشیده است که پس از سالها به بازسازی ساختار نظامی خود بپردازد و صنایع نظامی مجدداً تحقیقات خود را برای تولید سلاح های پیشرفته تر و جدیدتر از سر بگیرند.

سیاست خاورمیانه ای روسیه در دوره ریاست جمهوری پوتین

با توجه به برداشتهای ذهنی رئیس جمهور پوتین و سیاست پر رنگ او در دوره دوم ریاست جمهوری در قبال خاورمیانه شاهد چرخشی جدی در سیاستهای خاورمیانه ای او هستیم. روسیه با نگرش ژئوپلیتیکی به منطقه بر اساس منافع و تهدیدات خویش، سیاست خاورمیانه ای را در پیش گرفته است، که سعی دارد با نفوذ خود را افزایش دهد و ممانع از نفوذ دیگری در منطقه، خصوصاً در جریان بحران سوریه شود. روسیه با حضور در این منطقه در پی ایفای نقشی برابر با آمریکا در مرحله بین المللی بود. به همین دلیل پوتین تلاش کرد تا روابط با کشورهای متحد خود در خاورمیانه و شمال آفریقا را در دستور کار قرار دهد (کرمی ۱۳۸۴).

اهداف استراتژیک روسیه در خاورمیانه در زمره بزرگترین استراتژی های روسیه قرار دارد. برخی از اهداف مهم سیاست خارجی روسیه که توسط رهبران کرملین برنامه ریزی و تنظیم می شود مربوط به مناطق مختلف جهان است و اعتقادشان بر اینست که به دنبال تنش زدایی در جنگ داخلی سوریه هستند و از عدم اختلاف بین احزاب و مناطق مختلف جهان حمایت می کنند. (Gvosdev, 2019, 4-6)

از منظر سیاست مداران روسی خاورمیانه و شمال آفریقا به عنوان یک حوزه جغرافیایی مجموعه ای از امتیازها همچون جهانی منطقه ای سیاسی را در خود جای داده بود که روسیه به آن توجه خاصی داشت و تلاش می کرد تا نفوذ گذشته خود را در آن احیا کند. روسیه در این دوران تلاش داشت تا در نقش قدرت بزرگ هنجارمند ظاهر شود (کولایی و نوری: ۱۳۸۹).

در مجموعه فدراسیون روسیه در منطقه خاورمیانه اهداف مشخصی را دنبال می کند که از جمله مهمترین آنها عبارتند از:

- ۱- فروش تسلیحات و تامین بازارهای استراتژیک
- ۲- تسریع در روند صلح اعراب و اسرائیل برای کسب اعتبار به عنوان یک حامی صلح در داخل کشور منطقه و جهان
- ۳- احیای عنوان ابر قدرت شرق
- ۴- پرکردن خلا راهبردی و سیاسی در منطقه فدراسیون روسیه به عنوان وارث اتحاد شوروی

روسیه و بحران سوریه

سوریه از سنتی ترین متحدان روسیه در منطقه و جزء حوزه نفوذ این کشور است. نفوذ روسیه قبل از زمان جنگ سرد در سوریه وجود داشته و در سالهای بعد نیز با شدت و ضعف هایی همچنان ادامه پیدا کرده است. با آغاز بحران در سوریه شاهد حضور سایر کشورها در این منطقه هستیم که هر کدام از این کشورها به دنبال منفعی در این بحران هستند.

در مورد تحولات سوریه از سوی قدرتهای بزرگ و نیز بازیگران منطقه ای مواضع و رویکردهای مختلفی اتخاذ شده است به کشورها که از لحاظ تعداد کم شمار هم نیستند موضع ضد حکومت سوریه را اتخاذ کرده و از مخالفان بشار اسد به اشکال مختلف حمایت کرده اند و تعدادی از کشورها نیز بر حمایت از اقتدار حاکم در سوریه پافشاری کرده و آنها نیز به اشکال گوناگون به پشتیبانی از دولت بشار اسد پرداخته اند در جبهه اول می توان به ایالات متحده و متحدین غربی آن و نیز بازیگران منطقه‌ای همچون ترکیه و نیز شمار زیادی از کشورهای عربی منطقه اشاره کرد و در سوی دیگر نیز روسیه و چین و برخی بازیگران منطقه ای مانند ایران وجود دارد (Sharpan and Blanchard, 2013: 1-4).

پس از به قدرت رسیدن دوباره پوتین در جایگاه ریاست جمهوری روسیه وی مواضع با ثبات تری در رابطه با خاورمیانه و خصوصاً سوریه در پیش گرفته است مثل وتوی قطعنامه های ضد سوری شورای امنیت و یا کمک های نظامی به سوریه را میتوان در رفتار شناسی پوتین نسبت به خاورمیانه تحلیل کرد.

روسیه در جریان تحولات در کشورهای تونس و مصر بدون هیچ گونه مداخله ای و تنها با اتخاذ رویکرد واقع بینانه نسبت به دولتهای جدید در جهت بهبود روابط خود با این کشورها اقداماتی را انجام داد که کاهش ممانعتهای رسمی نسبت به اخوان المسلمین - که پیش از این به دلیل حضور در بحران چچن تروریست تلقی شده بود - یکی از آنها به شمار میرود.

البته وقوع تحول در مصر فرصتهایی را پیش روی روسیه قرار داد که احیای گردشگری حضور مجدد شرکتهای انرژی از آن جمله هستند (Trenin, 2013: 34).

پوتین در تحولات لیبی سیاست های متناقضی را پیش گرفت. نوسانات در سیاستهای روسیه در قبال مساله لیبی را میتوان ناشی از اختلاف نظر میان نخبگان ارشد سیاسی این کشور بویژه میان پوتین و مدودوف دانست که بوضوح در مساله ایجاد منطقه پرواز ممنوع در فضای لیبی آشکار شد.

تحولات لیبی دستاوردهای متناقض اقتصادی برای روسیه در بر داشت شکست روسیه در صحنه لیبی سبب شد تا روابط سرد بین مسکو - واشنگتن روبه سردی بیشتر رود و روسیه از این سناریو به عنوان تجربه ای در میدان سوریه بهره مند شود. (malashenko, 2013: 40)

روسیه از دولت اسد در برابر دو عامل حمایت می کند: یکی دخالت غرب و دیگری اپوزیسیون اسلامی که در داخل سوریه می باشد. از جمله دلایل بازگشت روسیه به خاورمیانه یکی این بود که برخی وقایع سیاسی بومی روسیه با بهار عربی در خاورمیانه مصادف شده بود. به این معنی که همزمان با بهار عربی، تقابل اپوزیسیون در انتخابات سال ۲۰۱۱ - ۲۰۱۲ در روسیه رخ داد. دوم اینکه پوتین در دوره سوم ریاست جمهوری همچنان عقاید ضد غربی خود را دنبال می کرد و همزمان با آن با تروریسم اسلامی نیز مقابله می کرد. سوم اینکه روسیه از رویکرد عملگرایانه و منعطفی که در تعاملات خود با منطقه داشت سود می برد. (Dannreuther, 2019, 726)

مهمترین اهداف روسیه در سوریه

اهداف اقتصادی و فروش تسلیحات نظامی

اقتصاد روسیه با درآمد ناخالص حدود ۲ تریلیون دلار، دو پایه اصلی دارد: از یک طرف متکی به فروش تسلیحات و جنگ افزارهای نظامی به کشورهای دیگر، بویژه کشورهای خاور میانه از جمله سوریه است و از طرف دیگر، متکی به درآمد صادرات نفت و گاز به خصوص اروپا است.

در همین راستا، سوریه یکی از عمده ترین دریافت کنندگان تسلیحات روسی در جهان است (دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲: ۱۲) از سال ۲۰۰۵، سوریه به طور فزاینده ای وارد کننده تسلیحات روسی بوده است

بر اساس گزارشی از موسسه بین المللی تحقیقات صلح استکهلم، واردات سلاح های روسیه به سوریه در فاصله سالهای ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱، سوریه پنجمین خریدار بزرگ تسلیحات روسیه با قراردادهایی در حدود ۳/۵-۳/۸ میلیارد دلار و روسیه ۷۸ درصد از واردات سوریه را در پنج سال گذشته تامین کرده است جنبه اقتصادی دیگر، حضور شرکتهای تجاری روسی در سوریه است. (Troyansky, 2012)

در سال ۲۰۰۹ سرمایه گذاری روسیه در سوریه بالغ بر ۱۹/۴ میلیارد دلار بود. در سال ۲۰۰۵ نیز مسکو ۷۳ درصد از بدهیهای سوریه را که بالغ بر ۴-۱۳ میلیارد دلار بود، بخشید

بخشش این بدهی ها باعث شد تا شرکتهای روسی بویژه در حوزه انرژی و تسلیحات قراردادهای سود آوری را با این کشور امضاء کنند (Klein, 2012)

در سال ۲۰۱۰ تجارت تسلیحاتی میان روسیه و سوریه به رقمی حدود ۸۷۶/۰۰۰/۰۰۰ میلیون یورو رسید و این مبادلات تا آنجا افزایش یافت که سوریه در میان ده کشور وارد کننده تسلیحات نظامی از روسیه در میان شرکای تجاری (تسلیحاتی) خاور میانه ای روسیه در فاصله سالهای ۲۰۰۸-۲۰۱۲ به جایگاه ششم رسید. (katz, 2013: 8)

بنابراین دمشق در میان بسیاری از مناطق کلیدی برای روسیه در بخش صنایع تسلیحاتی و حتی در بخش انرژی به یک شریک تجاری مهم تبدیل شده است. روسیه تجهیزاتی از جمله موشکهای کروز ضد کشتی مدرن، هواپیماهای جنگنده (میگ-۲۹، جک-۱۳۰) موشکهای زمین به هوا، سیستم های توپخانه ای و دفاع هوایی و مخازن مدرن را برای ارتش سوریه فراهم می کند. به گزارش مطبوعات قراردادهای تسلیحاتی روسیه با سوریه به ارزش بین ۴ تا ۶ میلیارد دلار می باشد. امروز در بیشتر قسمت های نیروهای مسلح سوریه تجهیزات اتحاد جماهیر شوروی یا روسیه نصب شده است (6kelin-5: 2013).

با این حال، اگر چه روسیه مورد انتقاداتی قرار گرفته است، اما شواهد موجود حاکی از آن است که حمایت نظامی روسیه از بحران سوریه ادامه دارد و روسیه همچنان نقش مهمی در انتقال تسلیحات روسی به سوریه بازی می کند. (Report, 2013: 7-8)

اهداف استراتژیک و اهمیت راهبردی پایگاه نظامی طرطوس

بندر طرطوس واقع در دریای مدیترانه تقریباً در ۲۵ کیلومتری مرز سوریه با لبنان قرار دارد. اگرچه طرطوس یک بندر تجاری است، اما پایگاه نظامی روسیه در این بندر قرار گرفته است که یکی از مهمترین پایگاه های نظامی خارج از قلمرو و مرزهای سرزمینی روسیه میباشد و از لحاظ موقعیت راهبردی و تدافعی جهت دستیابی به اهداف سیاسی برای این کشور حائز اهمیت فراوان می باشد. از آن جا که رهبران سیاسی و نظامی روسیه به دنبال سیاست ظهور جمهوری روسیه به عنوان یک ابر قدرت هستند، بنا بر این نیاز به یک نیروی دریایی گسترده در سراسر جهان دارند و از این

جهت بندر طرطوس می‌تواند یک نقش کلیدی را ایفا نماید. اگر چه بنظر میرسد قابلیت‌های واقعی مرکز نظامی روسیه در بندر طرطوس محدود است. اما موضع رسمی روسیه حفظ طرطوس جهت تامین منافع امنیت ملی روسیه است. چرا که باعث دسترسی روسیه به سایر بنادر در دریای مدیترانه میشود. (Harmer,2012:13)

از ژانویه ۲۰۱۳ کشتی‌های چهار ناوگان دریایی روسیه در مدیترانه شرقی بزرگترین رزمایش دریایی خود را از زمان سقوط اتحاد جماهیر شوروی به بعد برگزار نمودند. پیام این رزمایش آن بود که نیوری دریایی روسیه پس از گذشت بیست سال در آب‌های بین‌المللی حضور پیدا کرده است. (Trenin,2013:12)

از طرفی روسیه سعی در گسترش امکانات بندر روسی و پایگاه نیروی دریایی در بندر طرطوس دارد و می‌خواهد فرودگاه جنوب شهر لازقیه را گسترش دهد و یک پایگاه هوایی در آن جا تاسیسی نماید. (cordesman,2015:1)

بنابراین روسیه همواره خواهان آن است تا حضور نظامی خود را در منطقه حفظ نماید تا به واسطه این مساله استراتژی نظامی خود را محقق نماید و با توجه به این مطلب اهداف اقتصادی و فروش تسلیحات نظامی بیشمار به سوریه را بهتر می‌توان تحلیل کرد و اهمیت موضوع روشنتر خواهد شد.

در ۳۰ سپتامبر سال ۲۰۱۵، روسیه عملیات نظامی خود را با ایجاد پایگاه در جنوب شهر لازقیه و استقرار نیروهای مربوطه آغاز کرد (Kaim and Tamminga,2015:1)

از آن زمان تا کنون، اگر چه مداخلات نظامی روسیه در سوریه با برخی از موفقیت‌های سیاسی در حمایت از رژیم اسد همراه بوده است، اما واقعیت امر آن است که عملیات‌های نظامی روسیه نمیتواند آینده قطعی رژیم اسد را تضمین کند، چرا که تنها دو تا از شش عملیات نظامی روسیه آن هم با حمایت نظامی ایران و حزب الله در قلمرو سوریه با موفقیت انجام شده‌اند: یک جبهه علیه دولت خلافت اسلامی در شرق حلب و جبهه دوم علیه شوشیان جنوب شهر حلب (Lucas:2015:10)

هرچند مداخله نظامی در سوریه رهبریت روسیه در شرق میانه را درگیر یک بازی خطرناک با افق کوتاه مدت نموده است (Bear,2015:4)

اما در پس این قضایا مسئله مهمتری نیز برای روسیه وجود دارد و آن فعل و انفعالات تسلیحات روسیه به سوریه است تقریباً از سال ۲۰۱۱ یعنی زمان شروع حمایت نظامی روسیه در جنگ داخلی سوریه همه سلاحها برای نیروهای دولتی سوریه جهت حمایت اسد از روسیه وارد شد (cordsman,2015:2)

مداخلات روسیه در سوریه از سال ۲۰۱۵ آغاز شد و این در صورتی بود که پوتین از همان ابتدای به قدرت رسیدن در اندیشه بازگشتن به خاورمیانه بود و قصد داشت که قدرت روسیه را به عنوان یک ابرقدرت، مانند دوران گذشته، احیا کند. روسیه خاورمیانه را از طرفی به عنوان عرصه رقابت با غرب میداند و از طرف دیگر آن را تضمینی برای دسترسی به دریای سیاه و دریای مدیترانه میداند و از این طریق در پی دستیابی به موقعیت عالی قدرت بوده و هست. (Borshchevskaya,2019,15-16)

اهداف و ملاحظات سیاسی

روسیه در بحران سوریه بر خلاف بحران اوکراین بر «محترم شمردن حق حاکمیت دولت‌ها» و اصل «عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها» مطابق با خواست و منافع خود تاکید میکند. در عمل این امر به معنای مخالفت روسیه با تحصیل تحریم‌های اقتصادی یا تهدید به کاربرد زور یا استفاده از زور است. از دیدگاه مسکو مخالفت روسیه با مداخله نظامی

غرب در سوریه از انجام دوباره «سناریوی لیبی» در رویه بین المللی جلوگیری میکند، چراکه هر مداخله ای رویه خطرناکی را ایجاد می کند. در واقع مخالفت روسیه ناشی از این مسئله است که اگر اصول مزبور بیش از پیش تضعیف شوند. متحدان نزدیک این کشور یعنی جمهوری های حوزه سابق شوروی که اغلب آنها دموکراتیک نیستند نیز روزی می توانند در معرض مداخله خارجی قرار گیرند. در این راستا از دیدگاه مقامات کرملین تمایل فزاینده قدرتهای بزرگ برای «مداخله در امور داخلی دولتهای حاکم» به بیش از انقلابهای عربی باز می گردد. در واقع عدم مداخله در سوریه از سوی کشورهای غربی بالاتر از هرچیزی یک سرمای گذاری برای عدم مداخله غرب در مناطق تحت نفوذ و متحدان روسیه در آینده است. (Troyansky:2012)

غیر از این مساله هدف دیگر سیاسی پوتین در سوریه کسب وجهه بین المللی و رقابت با امریکا در سطح جهانی است. تمام توان روسیه در کنار دیگر قدرتهای نوظهور در جهت پایه ریزی یک جهان چند قطبی به دور از سلطه طلبی امریکا انجام میشود. روسیه سعی دارد در مقیاس جهانی از یک سو اروپا را به همراهی با روسیه و فراموشی قضیه اوکراین و ملایم شدن استراتژی اروپا علیه روسیه متقاعد سازد و از سوی دیگر اتحاد بین اروپا و امریکا را خدشه دار سازد حضور روسیه در سوریه با حل و فصل بحران اوکراین با اروپا در تلازم است. همزمان با حضور روسیه در سوریه، خشونتها در شرق اوکراین آرام شده است. با آرام شدن اوضاع اوکراین دیگر رهبران اروپایی در مقابل رای دهندگان بهانی برای حفظ تحریم علیه کشوری که حل مشکل سوریه را به آن سپرده اند نخواهد داشت.

ایجاد چنین سردرگمی از اهداف اروپایی پوتین است. امروز احزاب مردمی، ملی گرا و ضد اتحادیه اروپا در قاره سبز در حال قوی تر شدن هستند و این احزاب در واقع طرفدار نزدیکی اروپا با روسیه و حذف تحریم های اروپا علیه مسکو در جریان بحران اوکراین هستند. به عبارت دیگر رهبران اروپا به جای ایالات متحده یا حداقل در کنار این کشور پایبند می شوند (سلامی، ۱۳۹۴: ۴)

از سوی دیگر روسیه میخواهد از اختلافات داخلی در میان اعضای ناتو بهره مند شوند چرا که هدف اصلی آن مشارکت فعلی در بحران سیاسی سوریه به عنوان ابزاری برای شکستن انزوای بین المللی تحمیل شده بر مسکو به دلیل دخالت در الحاق سرزمین های اوکراین به کشور خود استفاده نماید. (kasapoglu and araan,2015:4)

روسیه تلاش کرده است میدان بازی با غرب را از حوزه های امنیتی مستقیم خود نظیر تحولات اوکراین در رویارویی شدید روسیه و غرب به سایر بحرانهای منطقه ای مثل بحران سوریه منتقل کند تا بتواند با تحت فشار قرار دادن کشورهای مذکور منافع اصلی خود را به دست آورد. همچنین اگر نقش آفرینی محوری فدراسیون روسیه در بحرن سوریه موجب شکست نهایی مخالفان اسد شود به اثبات مجدد توانایی روسیه در حل و فصل بحران های منطقه ای می انجامد و پرستیژ سیاسی این کشور را بسیار ارتقا میدهد (شیخ الاسلامی و بیگی، ۱۳۹۲: ۱۵۶)

از جمله حمایت های سیاسی روسیه از سوریه را می تواند به وتوی قطعنامه های مطرح شده در شورای امنیت می باشد. یکی از مهمترین قطع نامه های وتو شده توسط روسیه را باید قطع نامه شماره ۷۱۸۰ مورخ ۲۲ می ۲۰۱۴ دانست که روسها با وتوی آن ممانع از اقدام نظامی علیه حکومت سوریه مطابق فصل هفتم منشور سازمان ملل شدند (stea,2014)

اهداف و ملاحظات امنیتی روسیه

یکی از رویکردهای و هدف امنیتی روسیه در سوریه به نگرانی‌های هویتی و فرهنگی روسیه از قدرت‌گیری اسلام‌گرایان تندرو در سوریه و خاورمیانه و سرایت این موج به داخل مناطق مسلمان‌نشین روسیه و قفقاز بر میگردد. (دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲: ۹)

از نگاه مقامات کرملین تهدیدات اسلام‌گراهای رادیکال در داخل مرزهای روسیه و همچنین در جمهوری‌های سابق شوروی از مهمترین چالش‌های امنیتی این کشور است که باید به هر طریقی جلوی آن گرفته شود. در همین زمینه مقامات و تحلیل‌گران روسی ابراز نگرانی می‌کنند که سرنگونی اسد می‌تواند باعث هرج و مرج و تهدیدی جدی از سوی گروه‌های اسلام‌گرای افراطی برای نواحی تحت نفوذ روسیه در قفقاز شمالی شود. (Alison, 2013: 819) این کشور علی‌رغم فشارهای بین‌المللی کمک‌های نظامی - تسلیحاتی خود به سوریه را نیز تداوم و گسترش داده است.

استراتژی روسیه در قبال بحران سوریه

۱- حفظ بشار اسد

گرچه مقامات روسی بارها گفته‌اند که حل بحران سوریه الزاماً ربطی به سرنوشت بشار اسد ندارد، کما اینکه، ریازا خاروا، سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه در این باره که آیا حفظ بشار اسد در قدرت یک اصل برای روسیه است، گفته ما هرگز نگفته‌ایم که بقای او برای ما اساسی و جزء اصول است، بلکه آنچه ما گفته‌ایم این است که تغییر رژیم، در سوریه می‌تواند به فاجعه‌ای محلی و منطقه‌ای تبدیل شود (خبرگزاری ایسنا: مهر ۱۳۹۵)

اما پوتین با سیاست عملگرایانه‌سع در حفظ منافع استراتژیک اقتصادی و نظامی خود خصوصاً پس از سالهای ۲۰۱۵ (ورود نظامی به سوریه) توجه ویژه‌ای گروه‌های تروریستی داعش و غیره در مرزهای خود، فعلاً از بشار اسد پشتیبانی خواهد کرد.

۲- حمایت از مذاکرات صلح سوریه

مذاکرات صلح سوریه در ۳ سطح انجام شد یک سطح آن مذاکرات میان قدرت‌های بزرگ بود که روسیه در این سطح با آمریکا و اتحادیه اروپا چانه زنی می‌کرد. از مهمترین نتایج این سطح از مذاکرات برقراری چندین باره آتش‌بس میان گروه‌های درگیر، ارسال کمک‌های انسان‌دوستانه به محاصره‌شدگان از هر دو طرف پروتکل همکاری اطلاعاتی بر فراز آسمان سوریه بود. (Brown & Labboto 2016)

سطح دوم مذاکرات سطح منطقه‌ای بود. در این سطح روسیه با همکاری کشورهای درگیر در بحران زمینه‌های منطقه‌ای حل و فصل آن را فراهم می‌آورد. این کشورها عمدتاً ایران، ترکیه و (به ندرت) مصر و سایر کشورهای عربی بودند. این مذاکرات نتایجی داشت که از جمله می‌توان به مشارکت ترکیه در عملیات هوایی علیه داعش، استقرار آتش‌بس، ایجاد مناطق کم‌تنش اشاره کرد. (ن.ک: Aras, 2017)

سطح سوم مذاکرات سطح سوری - سوری بود که روسیه در این سطح نیز می‌کوشید که با ایجاد زمینه لازم، مواضع طرفین سوری جنگ را به یکدیگر نزدیک کند تا بحران را خاتمه دهد (Dovell, 2013; Hurriyet, 2017)

حتی شکل‌گیری وزارت آشتی ملی توسط دولت سوریه با اصرار روسیه انجام شد.

روسیه نه تنها در ترغیب طرفین به مذاکره نقش برجسته‌ای داشت، بلکه در مذاکرات نیز حضور پررنگی داشت. جدی‌ترین مذاکرات در ژنو (سوئیس) شکل گرفت و به همین دلیل به مذاکرات ژنو موسوم است. اولین دور این

مذاکرات در ۳۰ ژوئن ۲۰۱۲ و چهارمین دور آن در ۲۰۱۷ آغاز شد. روسیه در همه مذاکرات نقش سازنده‌ای داشت. (Mansourov, 2017)

روسیه ابتکار مذاکرات آستانه را در نظر گرفت. تا پایان سال ۲۰۱۷ نمایندگان طرفین نزاع هشت دور مذاکرات را در آستانه برگزار کردند (ن. ک: Global Security)

دور پنجم مذاکرات آستانه در ۲۰۱۷ برگزار شد این دور از مذاکرات مورد تأیید دی مستورا قرار داشت وی گفته بود که: «مذاکرات آستانه پیشرفت آشکاری در کاهش خونریزی‌ها در سوریه بوده است» (Ersen, 2017).

در ۱۴ اکتبر هم دور ششم مذاکرات آستانه با تمرکز به شکل‌دهی مناطق کاهش تنش در شمال استان ادلب شکل گرفت. (Daily Sabah, 2017) دور هفتم در ۳۰ اکتبر تا ۲ نوامبر ۲۰۱۷ برگزار شد. به موضوع تبادل اسرا و بازداشت شدگان و موضوعات انسانی پرداخت (Satubaldina 2017). دور هشتم در ۲۰ دسامبر ۲۰۱۷ برگزار شد که مهمترین دستور کارهای آن کاهش تنش، انتقال بی‌وقفه کمک‌های بشر دوستانه و مین‌روبی مناطق تاریخی بود. (Solovy, 2017) روسیه در ۲۰۱۸ هم گفتگوهای سوچی را ترتیب داد. از جمله مهم‌ترین دستاوردهای آستانه می‌توان به شکل‌دهی مناطق کم تنش، تبادل اسرا، امداد رسانی به غیر نظامیان و ارائه پیش‌نویس قانون اساسی جدید سوریه به طرفین نزاع بود.

کرملین تلاش کرد که نقش کنشگران مداخله‌گر منطقه‌ای و بین‌المللی را در حل و فصل نهایی بحران سوریه به حداقل رساند. در بیشتر نشست‌های برگزار شده، نمایندگان روسیه تصریح کردند که انتقال قدرت در سوریه به درخواست ملت سوریه بستگی دارد و لذا این فرایند نباید از بیرون شکل گیرد یا مدیریت شود. بدین شکل مسکو تأکید می‌کرد که ماهیت بحران، سوری - سوری است (صراف یزدی، ۱۳۹۵، ۷۰).

۳- ائتلاف با ایران و ترکیه: مذاکرات سوچی

دور اول این نشست سه جانبه موسوم به نشست سران ضامن صلح آستانه اول آذر ۹۶ در شهر سوچی می‌توان گفت این دور از مذاکرات مهمترین دستاوردها را برای سوریه به همراه داشت، ائتلاف روسیه با ایران و ترکیه در دو جهت برگزار شد

تنش زدایی از سوریه و نتیجه اصلی آن توافق بر سر تشکیل کمیته قانون اساسی سوریه بود علاوه بر آن دستاوردهای دیگری نیز در پی داشت .

۱- دور تازه مذاکرات با دستور کارهای متعدد مثل میزان مشارکت در بازسازی سوریه و کمک‌های بشر دوستانه و

....

۲- آینده سوریه پس از خروج آمریکا که البته این خروج هنوز قطعی نشده است.

۳- آخرین تصمیم‌گیری‌ها در خصوص ادلب

۴- لزوم تشکیل کمیته قانون اساسی سوریه

گرچه سه کشور اهداف و منافع متعددی دارند اما با تمرکز بر منافع مشترک می‌توانند در بحران سوریه همکاری‌های خود را افزایش داده و در جهت راه حل‌های سیاسی و برون رفت از بحران به سوریه و منطقه یاری رسانند.

نشست سران کشورهای ایران روسیه و ترکیه تا کنون چهار مرتبه در شهر های سوچی (آذر ۹۶)، آنکارا (فروردین ۹۷) تهران (شهریور ۹۷) و سوچی (بهمن ۹۷) گفت گویهای مشترکی با محوریت مبارزه با تروریسم منطقه ای و بازگرداندن آرامش بازگشت آوارگان و برقراری ثبات سیاسی در سوریه انجام داده اند.

نتیجه گیری

در این پژوهش با استفاده از نظریه سازه انگاری که بر هویت، برداشتها و مفاهیم بین الاذهانی تاکید دارد به تفکر پوتین و در جهت دادن به سیاست های داخلی و خارجی او خصوصا سیاست های خاورمیانه ای و در قبال بحران سوریه پردازیم. در ساختار جدید نظام بین الملل، روسیه در شناساندن خود به عنوان یک موجودیت تاریخی ادراک شده و با بهره گیری از این استراتژی در صدد برون رفت از بحران هویت ملی خود است. سیاست عملگرایانه و به نوعی ایدئولوژیک پوتین که سعی در برگرداندن اقتدار روسی است و سعی در کاهش کنش متقابل با اروپای غربی و آمریکا دارد. روسیه در سوریه در پی ایفای نقشی برابر با آمریکا در مرحله بین المللی است و البته اهداف سیاسی استراتژیک و اقتصادی در این کشور را دنبال می کند مثل فروش تسلیحات و حفظ پایگاه نظامی طرطوس در دریای مدیترانه که یکی از مهمترین پایگاه های نظامی خارج از قلمرو سرزمینی روسیه است. کسب وجهه بین المللی در رقابت با آمریکا نیز حائز اهمیت است. بدین سبب شاهد ورود نظامی روسیه از سال ۲۰۱۵ به سوریه هستیم. اما پوتین اهداف و مداخلات امنیتی را هم در این ورود در نظر داشته است. نگرانی های هویتی و فرهنگی روسیه از قدرت گیری اسلام گرایان تندرو در سوریه و سرایت این موج بر مناطق شیعه نشین روسیه و قفقاز است. روسیه از ائتلاف با ایران و ترکیه با حفظ بشار اسد سعی در گام برداشتن در جهت اهداف خود داشته است. پوتین با حمایت از مذاکرات صلح سوریه و وتو قطعنامه های متعدد شورای امنیت که بر علیه سوریه صادر شده بود مانع از اقدام نظامی بر علیه بشار اسد شده است. به هر حال بحران سوریه همچنان ادامه دارد. اما باسیاست خارجی جدید پوتین و ورود روسیه و دنبال کردن راه حل های سیاسی اوضاع آرامتر شده است.

منابع

- بیلینگتون، جیمز، (۱۳۱۵)، روسیه در جستجوی هویت خویش. ترجمه مهدی سنایی. تهران. نشر ایراس.
- پریماکوف، ی. (۱۳۹۱). دنیا بدون روسیه. ترجمه ایراس. تهران: انتشارات ایراس.
- دهشیار، حسین (۱۳۹۰)، "روسیه پوتین: تعارض با آمریکا"، سایت مرکز پژوهش های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- دهشیار، حسین، (۱۳۹۰)، "الزامات بین المللی، ملاحظات داخلی و سقوط پان عربیسم"، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۳.
- سلامی، محمد (۱۳۹۴)، " روسیه در شام به دنبال چیست؛ نگاهی به اهداف راهبردی روسیه در جنگ سوریه"، هفته نامه تحلیلی - تبیینی دانش سیاسی، شماره ۴۱

صراف یزدی، غلامرضا و ساجد محمودی، (۱۳۹۵)، "مقایسه کارکرد شورای امنیت سازمان ملل متحد در برابر دگرگونی های سیاسی در لیبی و سوریه"، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، شماره سیصد و سه، صص ۷۳-۶۴.

عطایی، فرهاد و شجاعی، محمدکاظم (۱۳۸۹)، "جایگاه روسیه در نظام بین الملل"، دو فصلنامه ایراس، سال پنجم، شماره ۶.

کاهه، ابوالفضل (۱۳۸۶)، "بازی جدید روس ها با نظام جهانی امریکا"، سایت باشگاه اندیشه. کرمی، جهانگیر، (۱۳۸۴)، تحولات سیاست خارجی روسیه: هویت دولت و مسأله غرب، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی وزارت خارجه.

کولایی، الهه و نوری، علیرضا (۱۳۸۹)، «عملگرایی پوتین و تغییر در رویکردهای سیاست خارجی روسیه»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۲، تابستان. کولایی، الهه، (۱۳۸۴)، بازی بزرگ جدید در آسیای مرکزی: زمینه ها و چشم انداز، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی وزارت خارجه.

کولائی، الهه. (۱۳۸۱). "توسعه روابط فدراسیون روسیه و اسرائیل با تأکید بر ج.ا. ایران". *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*. شماره ۵۷.

کولایی، الهه و علیرضا، نوری (۱۳۸۹)، "عملگرایی پوتین و تغییر در سیاست خارجی روسیه"، فصلنامه سیاست دوره چهارم.

گلشن پژوه، محمدرضا، (۱۳۸۷)، "روسیه و امریکا، بازگشت جنگ سرد؟"، کتابخانه دیجیتالی دید. لارویل، مارلن (۱۳۸۸)، اوراسیاگرایی روسی (ایدیولوژی امپراتوری)، ترجمه جعفر سیدزاده، و محمدحسین دهقانیان، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.

نوری، علیرضا (۱۳۸۹)، سیاست خارجی روسیه در دوره پوتین اصول و روندها، تهران، دانشگاه جامع امام حسین.

هادیان، ناصر (۱۳۸۲) «سازهانگاری: از روابط بین الملل تا سیاست خارجی» فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۷، شماره ۴.

Allison Roy (2013) "Russia and Syria: Explaining Alignment With a Regime in Crisis", *International Affairs*, Volume 89, July 2013.

Anna Borshchevskaya , Russia in the Middle East: Is There an Endgame?, "Russia's Policy in Syria and the Middle East: Determination, Delight, and Disappointment" Naval War College—Foreign Policy Research Institute Carnegie Council for Ethics in International Affairs, 2019.

Aras, Bullent, (2017), "Turkey's Foreign Policy after July 15", available at: http://ipc.sabanciuniv.edu/wp-content/uploads/2017/02/Turkish-Foreign-Policy-After-July-15_Bulent-Aras.pdf [Accessed on August 1, 2017]

- Aron, L. (1998). The Foreign policy doctrine of postcommunist Russia and its domestic context. in Mandelbaum, M. (ed.) (1998). The new Russian foreign policy, Council on Foreign Relations. New York. 1998.
- Bear, Pavel, (2015), "Russia as Opportunist or Spoiler in the Middle East", *The International Spectator*, Vol. 50, No. 2, pp 8-21.
- Ball, James, (2012), "Obama Issues Syria a 'Red Line' Warning on Chemical Weapons", available at: https://www.washingtonpost.com/world/national-security/obama-issues-syria-red-line-warning-on-chemical-weapons/2012/08/20/ba5d26ec-eaf7-11e1-b81109036bcb182b_story.html?utm_term=.d616b48e6ba1 [Accessed on February 28, 2016]
- Barry, Ellen, (2011), "Putin Criticizes West for Libya Incursion", available at: <https://sputniknews.com/voiceofrussia/2011/03/22/47820388.html> [Accessed on October 16, 2016]
- Berg, E., & Ehin, P. (2013). Identity and foreign policy: Baltic-Russian relations and European integration. Ashgate Publishing, Ltd. [SEP]
- Toft, P. (2004). The way of the vanquished. work in progress. Department of Political Science, University of Copenhagen. [SEP]
- Cordesman, Anthony (2015) "Russia In Syria: Hybrid Political Warfare," available at: <https://www.crisis.org/analysis/russia-syria-hybrid-political-warfare> [Accessed on May 18, 2016]
- Council of the European Union, (2017), "Timeline-EU restrictive measures in response to the crisis in Ukraine", available at: <http://www.consilium.europa.eu/en/policies/sanctions/ukraine-crisis/history-ukraine-crisis/> [Accessed on July 29, 2017]
- Daily Sabah (2017) Turkey, Iran, Russia agree on borders of Syria de-escalation zones in Astana talk, available at: <https://www.dailysabah.com/syrian-crisis/2017/09/15/turkey-iran-russia-agree-on-borders-of-syria-de-escalation-zones-in-astana-talks> [Accessed on October 22, 2017]
- Daily Sabah (2017) Turkey, Iran, Russia agree on borders of Syria de-escalation zones in Astana talk, available at: <https://www.dailysabah.com/syrian-crisis> [Accessed on February 11, 2018]
- Defenseindustrydaily, (2015), "Syria's Russia Defense Buys", available at: <http://www.defenseindustrydaily.com/syria-buying-mig31s-mig35s-for-1-billion-03391/> [Accessed on December 8, 2016]
- Ersen, Mohammad (2017) Precarious calm in southwest Syria amid cease-fire, available at: <https://www.al-monitor.com/pulse/originals/2017/07/jordan-south-syria-front-ceasefire-astana-talks.html> [Accessed on February 14, 2018]
- European Council, (2017), "Syria: EU adds 10 persons to list of those under sanctions against the regime", available at: http://www.consilium.europa.eu/en/press/press-releases/2016/10/27-syria-persons-added-to-sanctions-list/?utm_source=dsms-auto&utm_medium=email&utm_campaign=Syria%3A%20EU%20adds%2010%20persons%20to%20list%20of%20those%20under%20sanctions%20against%20the%20regime [Accessed on June 26, 2017]
- Hale, Henry E. (2015), *Patronal Politics*, New York: Cambridge University Press, pp. 61-65.
- Harmer, Christopher, (2012), "Russian Naval Base Tartus, Studies In ISW (Institute for the Study of War)", Available at: <http://www.Reuters.Com/Article/2013/03/01/Us-Syria-Crisis-Russia-Idusbre9200e320130301> [Accessed on December 3, 2015]
- Hopf, T. (2009). Russia's place in the world an exit option?. Available at: http://www.russiavotes.org/security/security_russia_place.php, (accessed on 2013, Jan 28). [SEP]
- Hopf, T. (2002). Social construction of international politics: identities & foreign policies, Moscow, 1955 and 1999. New York: Cornell University Press.
- Kate C. Langdon, Vladimir Tismaneanu, (2019), *The Intellectual Origins of Putinism, Putin's Totalitarian Democracy*, p 83.
- Katz, Mark, (2015), "Russian Intervention in the Syrian Civil War", *Russian Analytical Digest*, No 175, pp-2-6.
- Katz, Mark. N (2013), "The Impact of the Syrian Conflict on Russian Relations with Other Middle Eastern Countries", ResearchCentre for East European Studies Publications Department, No. 128.
- Kasapoglu, Can & F. Doruk, Ergun (2015), "Russia in Foreign Skies: Assessing Russian Air Operations in Syria and Violations of Turkish Airspace", Centre for Economics and Foreign Policy Studies.
- Klein, Margarete. (2012). Russia and the Arab Spring; Foreign and Domestic Policy Challenges, Stiftung Wissenschaft und Politik, available on: http://www.swp-berlin.org/en/publications/swpcommentesen/swpaktuelledetails/article/russia_and_the_arab_spring.html.
- Klein, Margarete (2013), "Russia's Policy on Syria: On the Way to Isolation?", German Institute for International and Security Affairs (SWP).
- Kimball, Daryl and Kelsey Davenport, (2017), "Timeline of Syrian Chemical Weapons Activity, 2012-2017", available at: <https://www.armscontrol.org/factsheets/Timeline-of-Syrian-Chemical-Weapons-Activity> [Accessed on June 13, 2017]
- Lucas, Scott, (2015), "Effects of Russia Intervention in Syria", available at: <http://www.gsdr.org/wp-content/uploads/2016/02/DFID-Russia-Syria.pdf> [Accessed on April 30, 2016]

- Lynch, A. C. (2001). The realism of Russia's foreign policy'. *Europe-Asia Studies*, 53(1)
- Malashenko, Alexey (2013), "Russia and the Arab Spring", Carnegie Moscow Center, Available at: <http://carnegie.ru/2013/10/01/russia-and-arab-spring/i0g8>, (Accessed on: 14/8/2014)
- Malashenko, Alexey, (2014), "Russia's Policy in the Middle East and the Fight against Extremism", Pomeas Policy Brief, No 3, available at: http://www.pomeas.org/Home/images/pomeas/brief/Brief11_AntoineAPPrioual.pdf [Accessed on December 16, 2015]
- Malashenko, Alexey, (2013), "Russia and the Arab Spring, Carnegie Moscow Center", available at: http://www.carnegieendowment.org/files/russia_arab_spring2013.pdf [Accessed on December 17, 2015]
- Mansurov, Timur, (2017), "Russia's Policy in Syria: Characteristics, Conflict and Mechanism of Conflict Resolution", *The Turkish Online Journal of Design, Art and Communication*, available at: http://www.tojdac.org/tojdac/VOLUME6-NOVSPCL_files/tojdac_v060NVSE110.Pdf [Accessed on March 30, 2017]
- Middleeasteye, (2017), "US Rocket Artillery Deployed to Southern Syria for First Time", available at: <http://www.middleeasteye.net/new/us-long-range-missile-system-deploy-southern-syria-first-time-9348201> [Accessed on June 2, 2017]
- Ministry of Defense Russia Federation, (2016), "List of Armed Formation, Which Joined the Ceasefire in the Syrian Arab Republic on December 30", 2016, available at: http://eng.mil.ru/en/news_page/country/more.htm?id=12107227@egNews
- Mark N. Katz, "Asia Policy, National Bureau of Asian Research", Volume 14, Number 2, April 2019.
- Nikolas k. Gvosdev, Russian Strategic Goals in the Middle East, "Russia's Policy in Syria and the Middle East: Determination, Delight, and Disappointment "Naval War College—Foreign Policy Research Institute Carnegie Council for Ethics in International Affairs, 2019, pp4-6.
- Roland Dannreuther, "Understanding Russia's return to the Middle East", *International Politics volume 56* (2019).
- Sadeghi, Saheb. (2015). Why Iran and Russia aren't as closely aligned on Syria as you might think, November, available on: <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2015/11/iran-russia-syria.html>
- Satubaldina, Assel (2017) Latest Syrian peace talks in Astana focus on humanitarian issues, available at: <https://astanatimes.com/2017/11/latest-syrian-peace-talks-in-astana-focus-on-humanitarian-issues/> [Accessed on January 17, 2018]
- Solovyov, Dmitry (2017) U.N to join Syria talks in Astana, with humanitarian hopes, available at: <https://www.reuters.com/article/us-mideast-crisis-syria-talks-un/u-n-jo-join--syria-talks-in-astana-with-humanitarian-hopes-idUSKBNIEFIRP> [Accessed on January 10, 2018]
- The Military Doctorin of Russian Federation, (2014), "The Military Doctorin of Russian Federation", 2014, available at: <https://www.rusemb.org.uk/press/2029> [Accessed on March 17, 2018]
- Trenin, Dmitri (2004), "New Tendencies in Russia's Foreign Policy", Carnegie Endowment for International Peace, Available at: <http://carnegieendowment.org/2004/02/25/new-tendencies-in-russia-s-foreign-policy/96me>, Accessed on: 14/02/2017.
- Trenin .D2010."Russia.Polic in the Middyley East:Prospectnsus and Conflict with the United States "carnegie: Available at://http camogie.
- Trenin, Dmitri (2013), "The Mythical Alliance Russia's Syria Policy", Washington D.C. Carnegie En-dowment for International Peace.
- Trenin, Dmitry, (2013), "the Mythical Alliance: Russia's Syria Policy", available at: http://www.carnegieendowment.org/files/mythical_alliance.pdf [Accessed on October 1, 2016]
- UNHCR, (2017), "Syria Emergency", available at: <http://www.unhcr.org/uk/syria-emergency.html> [Accessed on June 18, 2017]
- Wendt, Alexander (1994), "Collective Identity Formation and the International State System," *American Political Science Review* 88, No.2.
- Wendt, Alexander (1995), "Constructing International Politics," *International Security*, 20, No.1.
- Wyllie, I. H (2006), *Measuring Up: the Strategies as Strategy*, in R. Dann Reuther and J. Peterson (ed.), *Security Strategy and Transatlantic Relations*, London: Rutledge.
- Zakharakin, Stanislav, (2015), "What Is in the Store for the Siberian Movement?", available at: <http://www.eurozine.com/articles/2015-06-11-zakharin-en.html> [Accessed on April 29, 2017]

Geopolitical explanation of Putinism as a conceptual framework for analyzing Russian foreign policy (with emphasis on the Syrian crisis)

Shila Seifodini

PhD Student in International Relations, Faculty of Law and Political Science, Rafsanjan Branch, Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran

Ebrahim Anoosheh¹

Assistant Professor of International Relations and Faculty Member, Rafsanjan Branch, Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran (Corresponding author).

Mehdi Hassani Bagheri

Assistant Professor of Political Science and Faculty Member of Baft Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran

Abstract

Russia has experienced many ups and downs since the collapse of the Soviet Union due to the prevailing currents of thought. The rise of Putin and Putinism can be considered the beginning of a new era in the new Russia. Putin is an authoritarian figure who seeks to promote and revitalize Russia as the successor to the former Soviet Union. In this study, using the available sources and in the framework of a descriptive-analytical method, the role and position of Putin's intellectual approach and thoughts on Russian foreign policy is discussed. In this regard, the theory of structuralism (evolutionism) has been used to explain and analyze the foreign policy of Russia during the Putin era. The authors believe that Russia's current foreign policy has changed over the years since Putin took office. During this period, Russia has tried to play a more prominent role in various issues of international politics by challenging the positions of the West and the United States. This can be seen especially in the Syrian crisis, where Russia, along with Iran and Turkey, formed a coalition against the Western coalition and was able to keep Bashar al-Assad in Syria.

Keywords: Putin, Putinism, Russia, constructivism , Syrian crisis.

¹ . Corresponding Author: a_anooshin@yahoo.com